

بجای قربانیان
گریبان قانونگذار متخلف
و مجری قانون را بگیرید
احمد هدایتی

تعدیل نیرو، بهینه سازی نیروی انسانی، باز سازی و نو سازی صنایع و... ابزاری جهت اخراج غیر خودی ها و استخدام خودی ها ۸۴/۱۲/۱۸
"۳۰۰۰ کارگر و کارمند مخابرات تهران تعدیل شدند"، رئیس کمیته اقتصادی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، روزنامه کار و کارگر ۸۴/۱۲/۱۳
"بیکاری ۲۰۰ کارگر شرکت تولیدی و ریسندگی نختاز گیلان بر اثر خصوصی سازی شرکت از سال ۱۳۷۲"، کار و کارگر ۸۴/۱۲/۱۴
"شهر داری بجنورد بیش از ۳۵۰ کارگر را اخراج کرد"، کار و کارگر ۸۴/۱۲/۱۵

.....-

اخراج ۳۰۰۰ کارگر و کارمند مخابرات تهران را رئیس کمیته اقتصادی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هفتم اعلام کرد. او گفت: همه مستندات و مدارک نشان می دهد که این عده از کارگران و کارمندان با طی کردن مراحل قانونی و سیر طبیعی باز خرید شده اند. از این رئیس کمیته که به این راحتی اخراج و بیکاری ۳۰۰۰ کارگر را تأیید و اعلام می کند باید پرسید: **آنها اکنون چه می کنند و خرج زندگی را از کدام منبع تامین می کنند؟** این که آنها طبق قانون "تعدیل و بهینه سازی نیروی انسانی" تصویبی مجلس ششم و یا مجلس هفتم و ابلاغ آن به دولت و مخابرات صورت گرفته یا نگرفته مهم نیست. زندگی آنها مهم است.

دو احتمال را فرض می کنیم:

اول اینکه آنها از مخابرات رفته اند، مثلا در يك کارخانه و یا يك شرکت و یا يك موسسه ديگر و بهر حال بر سر يك کار ديگر، دوم اینکه به خیل عظیم بیکاران کشور اضافه شده اند و حداقل ۱۵ هزار زن و بچه شان دارند درگرمگرم بازار تولید اتمی و حمایت ملی باد هوا می خورند و یا قاچاق فروشی می کنند و یا مجبورند دست به ده ها خلاف غیر اسلامی و غیر انسانی و... بزنند. در حالت اول که هیچ، نمایندگان مجالس ششم و هفتم و دولت بر طبق اصل ۲۸ قانون اساسی عمل کرده اند.

در حالت دوم مجالس ششم و هفتم و دولت بر خلاف اصل ۲۸ قانون اساسی که می گوید "دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید." عمل کرده اند.

آیا این ۳۰۰۰ نفر جایگزینی در مخابرات تهران داشته اند؟

با توجه به تجربه سالیان دراز - قبل و بعد از انقلاب - نه تنها این ۳۰۰۰ نفر جایگزین داشته اند، بلکه بیشتر نیز جایگزین داشته اند، شاهد این ادعا افزایش تعداد کارگران و کارمندان در دولت می باشد که بارها بوسیله افراد مختلف از جمله نمایندگان مجلس بیان شده است.

کارگران و کارمندان جایگزینی چه کسانی هستند؟ این سؤال را باید از مسئولین اصلی و افراد با نفوذ شرکت مخابرات تهران پرسید. حتما و عمدتا با پارتی بازی و اعمال نفوذ سیاسی، مذهبی و غیره این عمل انجام شده است، حتما و عمدتا از خانواده کارمندان عالی رتبه و آنهایی که مخابرات تیول آنها است می باشند.

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و نمایندگان مجلس این را خوب می دانند، که تحقیق و تفحص در این مورد حتما جواب مثبت می دهد.

خصوصی سازی، باز سازی و نوسازی صنایع - وسیله ای برای نابودی تولید داخلی و اخراج کارگران:

در این جا مانند مورد بالا دیگر بحث خودی و غیر خودی نیست، در اینجا دیگر بحث نابودی تولید ملی نابودی صنعت و کشاورزی، با توجه به سیاست های دیکته شده توسط کارگزاران جنگ و غارت در جهان تحت عنوان لیبرالیسم و نئولیبرالیسم (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول ، سازمان تجارت جهانی) است.

ابعاد این فاجعه بسیار وسیع تر و گسترده تر از ابعاد تعدیل نیرو در موسسات دولتی و غیر دولتی می باشد. نابودی صنایع نساجی، صنایع تبدیلی چغندر قند و دانه های روغنی و...، نابودی صنایع کفش، صنایع لوازم خانگی و... و بتدریج تبدیل ایران به بازار کالاهای تولیدی کشور های پیشرفته صنعتی اروپا و امریکا و ژاپن و کشور های جنوب شرقی آسیا. تبدیل بیکاران ۲ میلیونی در اوایل دهه اخیر به بیکاران ۵ میلیونی (۵ تا ۶ میلیونی) در حال حاضر که روز به روز افزایش می یابد.

.....و

طبق قانون اساسی (از جمله اصل ۲۸) دولت و دست اند کاران جمهوری اسلامی (بخش خصوصی، بخش دولتی و...) وظیفه دارند و باید برای تمام افرادی که توان کار دارند بدون استثنا کار و اشتغال و در آمد مکفی فراهم کنند و در صورت نبودن کار، موقتا و تا ایجاد کار به اشکال مختلف از جمله بیمه بیکاری و غیره زندگی انسانی برایشان فراهم کنند. حال باید از نمایندگان مجلس و اعضای دولت پرسید که بدون اینکه فکری برای اشتغال جدید کارگران و کارمندان در مراکز دولتی و بنگاه های اقتصادی بکنند، به چه حقی طرح و لایحه و مصوبه تعدیل نیرو (تعدیل نیرو، بهینه سازی و نو سازی نیرو و..) را به تصویب رسانده اند؟

بیکاری، فساد، فقر، اعتیاد و فحشا و... که همگان به وجود آن اذعان دارند و تا خرخره جامعه در آن غرق است، عمدتا نتیجه "تعدیل نیرو، باز سازی، و بهینه سازی نیرو" به مفهوم نابودی تولید داخلی و عوارض یاد شده در بالا نیست؟ اگر هست- که قطعاً هست- در این صورت بجای گرفتن گریبان قربانیان این سیاست ها و مصوبات، نباید گریبان تصویب کنندگان و طراحان و حامیان این مصوبات را گرفت؟